

بۆکان له ئەمڕۆ و له میژوودا (۲)

نووسینی: تاهیر عەلیار

حەسەنی قزنجی (۲-۳)

ژیانی حەسەن قزنجی له شار و مەڵبەند و ولایتیک و بە تەغیا له ناو کورددا تێنەپەرپووه، له شارێکی کوردستان له دایک دەبی، جگه له ئێران، دەگاتە عێراق و سوریا و بولغارستان و سەرئەنجام له زیندانیکێ پابتهختی ئێران به دەستی گەزمەکانی حکومەتی ئیسلامی ئێران گولەباران دەکری و تەرمەکی بۆ هەمیشە بێ گۆر دەمێنێتەوه! ئەوێ بۆچی نووسەرێکی کورد له رژیمی شاهنشاهی ئێران قاچاخ دەکری و بەدەستی رژیمیکی دیکە ئێرانی دەکوژری، دەبی هەر کورد و کوردزمان و ئینسانیک، بەهێزین و پرسیار بخولقین، ولامی ئەم پرسیاره بۆ هەر کورد و هەر ئینسانیک بەجێدەهێلین و لێره بەشیکێ بچووک لەو کۆبیانە بۆ دەکەینەوه که له بەر دەستی ئێمەدا بووه، ئەمانه و کۆمەڵیکێ دی له وێنه و نووسراوه له کاک محسەن قزنجی و ئارشویی برایم فەرشی وەرگیراوه، که به بێ لیکدانەوه بۆ دەکریتەوه.

برايم فەرشی



رفیق شهید حسن قزلچی



شهادت در زیر شکنجه مهرماه ۱۳۶۳

رفیق حسن قزلچی در سال ۱۲۹۴ در يك خانواده مبارز در بوکان متولد شد و از آغاز جوانی، در دوران مبارزه خلق‌ها علیه فاشیسم و استبداد رضاخانی فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد. وی که با مسائل ایران و به ویژه خلق‌گرد آشنائی خوبی داشت و ستمی را که در حق مردم محروم کردستان اعمال می‌شد با گوشت و پوست خود احساس می‌کرد، پس از سقوط رضاخان، براساس ضرورت تاریخی مبارزه با فاشیسم، با گروهی از همفکرانش، حزب (کومله ژ- سه) را که در واقع يك حزب قومی و ضد فاشیست بود تشکیل داد.

بعد از مدتی قاضی محمد هم به حزب پیوست و حزب، نیرو و نفوذ فراوان پیدا کرد. و چندی بعد همین گروه تکامل و گسترش یافت و حزب دموکرات کردستان ایران را بنیاد نهاد. و توانست حکومت ملی کردستان ایران را تشکیل دهد.

رفیق قزلچی که از موسسین و رهبران حزب دموکرات کردستان بود، پس از سقوط حاکمیت ملی ناگزیر از مهاجرت به کردستان عراق شد. در آنجا با کمک برخی از هم‌زمانانش، دیگر بار به تجدید سازمان حزب دموکرات و انتشار نشریه "ریگا" پرداخت. وی در دوران اقامت خود در عراق دائماً تحت پیگرد بود و برای گذران زندگی به کارهای سخت از قبیل کار در چاپخانه مخفی، کشت توتون، عملگی، واکس زدن، کار در رستوران و عکاسی تن می‌داد و در حالی که به طور دائمی، خطر دستگیری تهدیدش می‌کرد، يك لحظه از ادامه کار انقلابی خود باز نماند.

رفیق قزلچی يك بار در زمان حکومت نوری سعید و ملک فیصل در جریان همکاری با نیروهای انقلابی عراق دستگیر شد و مدتی را در شرایط سخت زندان سپری کرد. با پیروزی انقلاب ۱۹۵۸ عراق از زندان رهایی یافت.

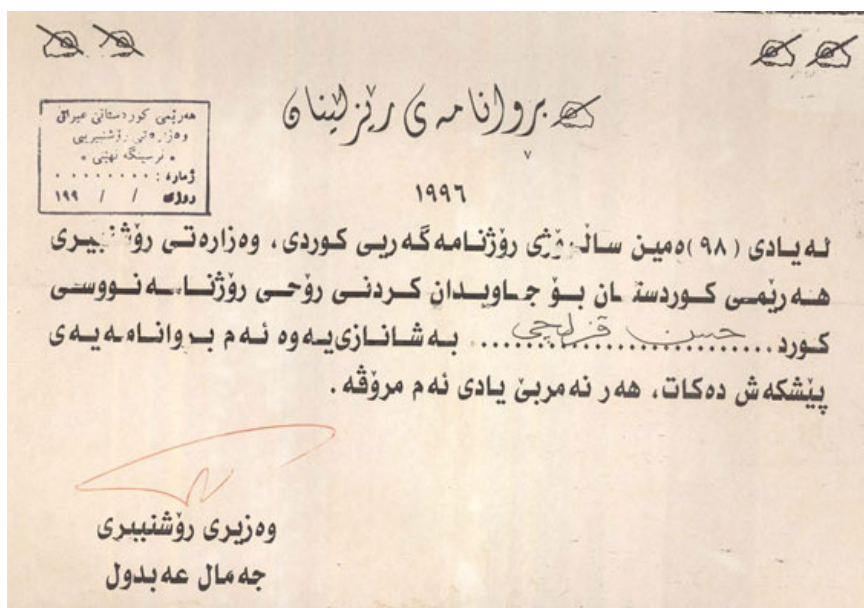
در همین سال‌ها بود که در آشنائی عمیق‌تر با ایدئولوژی دوران ساز مارکسیسم - لنینیسم، سرانجام به حزب توده ایران پیوست. رفیق قزلچی از اواخر دهه ۳۰ به عنوان عضو هیئت تحریریه رادیو "پیک ایران" برگزیده شد و اداره برنامه "رادیو پیک" به زبان کردی را به عهده داشت. پس از پیروزی

رفیق قزلچی که به عضویت کمیته مرکزی حزب توده ایران انتخاب شده بود، بیش از ۳۵ سال از زندگی خود را در شرایط سخت مهاجرت و پیگرد گذراند. و علاوه بر زبان مادری خود، به زبان های فارسی، عربی، آذربایجانی و بلغاری نیز مسلط بود.

رفیق قزلچی در جریان یورش رژیم ارتجاعی "ولایت فقیه" به حزب توده ایران دستگیر شد و پس از تحمل چند ماه شکنجه جسمی و روانی، سرانجام به شهادت رسید. و جنازه این اسطوره مقاومت را نبر به خانواده اش تحویل ندادند که حداقل در شهر زادگاهش بوکان به خاک سپرده شود. جنایت کاران جمهوری اسلامی از جسد بیجان قهرمانان خلق وحشت دارند و مطمئن می دانند که مزار این قهرمانان به زیارتگاه رهروان راهشان تبدیل خواهد شد. این شخصیت برجسته انقلابی که از نویسندگان مشهور خلق کرد نیز به شمار می آمد، تا آنجا که توان داشت، با درک آرمان های مردمی حزب توده ایران و وفاداری به آرمان های سوسیالیستی، به طور پیگیر و مستمر به مبارزه خود ادامه داد.

«... رفیق قزلچی یکی از بزرگ ترین ادیبان کرد بود و داستان های طنز وی و مقالات ادبی، سیاسی و تحقیقی وی زینت بخش اکثر روزنامه های انقلابی کرد زبان در ایران و عراق بوده است. در ضمن وی یکی از قدیمی ترین روزنامه نگاران کرد بوده و در زمان خود مختاری کردستان او از مشاورین ویژه پیشوای شهید قاضی محمد و از اعضای مرکزی حزب دموکرات کردستان بوده است. ... مدت سه سال را در زندان رژیم نوری سعید گذراند. در عراق همیشه در کار مطبوعات یار حزب برادر بود...»

«... من در سال ۱۳۸۱ چند ساعتی پای صحبت های رفیق قزلچی، این تاریخچه متحرک مبارزات آن زمان (که متأسفانه امروز دیگر در میان ما نیست) بوده ام. او از مقاومت ها، از مبارزات و از محرومیت ها برایم تعریف می کرد. واقعا اگر نام تاریخ متحرک به او دادم شایسته و برازنده اش بود. هنوز بعضی از جملات امید بخش و نوید دهنده رفیق قزلچی در گوشم طنین انداز است، که می گفت: «قدرت خلق بالاتر از هر نیروی دیگر است. می گفت من به آرزوی خود دست یافتم که قدرت خلق، رژیم جنایتکار محمد رضا را سر به نیست کرد و حالا این شماست که این دست آورد عظیم تاریخ را حفظ کنید. و مطمئن باشید تکیه گاه مائتظ خلق های محروم هستند. بادش گرمی باد.»





شماره ۱۰۰۰ شماره ۱۰
پنجشنبه ۱۰ مهر ۱۳۴۴
شماره ۱۰۰۰ شماره ۱۰

اطلاعیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفیق حسن فرزند زورسنگ چه شهید شد



رسیده است. این در حالی است که اشغال کشته شدن برخی دیگر از اعضای کارگزاران حزب ما نیز وجود دارد.
رفیق فرزندی در جریان پورش ناچاراندره ای آرگانیای سرگونیگر - همراه با گروهی از کارگران رهبری حزب توده ایران دستگیر شده در تمام دوره زندان - که در اوایل مهرماه ۱۳۴۴ منجر به کشته شدن وی گردید - در سخت‌ترین شرایط تعزیر و شکنجه های

بازم پرده از جنایت دیگر رژیم "ولایت فقیه" برداشته شد. جلادان "دین" دستار خود را به خون رفیق حسن فرزندی، یکی از شریف‌ترین مبارزان و پیشروان جوان انقلابی خلق کرد. کمونیست و اشتراک‌گرایان نیست برچسب و طوق کینه‌ها حرکتی حزب توده ایران نبودند پس از شهادت رفیق حسن علوی، رفیق فرزندی دومین عضو کینه‌سوزی حزب توده ایران است که در زندان شکنجه های مستمر زندانیان چ ۱ - شهادت

فرزند من کجاست!!

ای جنگ - جنگ - جنگ
ای جنگ آدمی کش - ای جنگ نمز جنگ
فرزند من کجاست
روی کدام خاک غریبی فکیده است!!
در خواب می‌دیش
از روی تپه های تقابلی
چون اسیر می‌گشت
سر درین آتش نهادم و با نام خواندش
گرم شد فرا داشت ...
ای جنگ کینه جو
با من نگر که او
روی کدام پشته به فرست فکیده است
روی کدام سنگ?
با گل رنگ تقابلی بر بریده پهر من
با ناله و نام شده غمگین درین جنگ!!

سازمان کسری
شماره ۱۳۴۴

**پیام شادباش
حزب کمونیست ویتنامی کسری
سرا انجام پیروزی از آن شمامت**
در شماره ۹

**پیام شادباش
حزب کمونیست سری لانکا
بیکار کمونیست های ایران، راهگسای
سرگونی شاه**
در شماره ۹

**رسالت کارگران
در مبارزه با جنات**
در شماره ۹

در باره ضرورت برخورد طبقاتی

در بیانیه مشترک، نقش طبقه کارگر - بویژه پرولتاریای صنعتی - به عنوان عامل محرک و محسوس در محیات اجتماعی - اقتصادی ایران برجسته شده است. در بیانیه مشترک پس از اشاره به نقش تعیین کننده طبقه کارگر در سقوط رژیم سلطنتی، خاطر نشان می‌شود:
"طبقه کارگر ایران و در پیشاپیش آن پرولتاریای صنعتی، هم اکنون نیز به عنوان یک نیروی بالندیده متمرکز که سنت کبری آن دارای اهمیت سیاسی تعیین کننده است، در صحنه نبرد انقلابی حضور فعال دارد و در پیشاپیش همه نیروهای اجتماعی کام بر می‌دارد."
در بیانیه مشترک بدروستی خاطر نشان شده است که:
"طبقه کارگر چه در جریان نضت انقلابی و چه در سالهای اخیر صلا به ثبوت رساند که استقرار ترین نیروی ترقیخواه - پیشگامترین مبارز راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح و

داعنه تظاهرات ضد جنگ را گسترش دهیم!

از آغاز سال ۴۴، در پیامده تشدید جنگ و بیماریان مناطق مسکونی و غیر نظامی، مخالفت با ادامه جنگ به شکل سابق مای شد جنگ و صلح سازماندهی و گسترش تازه ای یافته است. موج اعتراض و تظاهرات تهرهای گوناگون کشور را فرا گرفته است. مردم بعد از هر بیماریان به گونه ای خودپز کرده هم می‌آیند و دست به تظاهرات طبقه رژیم و سیاست جنگ طلبانه آن می‌زنند. رژیم نیز برای فرو نشاندن این شایقی ها جز به حربه سرکوبه شورشت باار توفیق نمی‌جوید.
از این رو به خاطر گسترش آگاهانه دامنه شایقی های ضد جنگ و ضد رژیم، سیاست به بررسی اجناسی برخی تجربیات زنجیره تظاهرات گذشته بپردازیم و در صفا و راهنمودهای برای کاربست آنها در آینده بگوریم.
مهمترین نقطه تظاهرات گذشته عدم سازماندهی و پیشترین نیاز تظاهرات آینده تلافی

پیروزی مبارزه خلق در راه سرگونی رژیم جمهوری اسلامی!

درباره ضرورت برخورد طبقاتی

بقیه از صفحه ۱

جامعه طبقاتی الزام می کند و این هیچ وجه مشترکی با سکتاریسم سوره نظر وفاق ندارد. حزب توده ایران همیشه برنامه های خود را بر پایه شرایط مشخص - تاریخی جامعه تدوین کرده و می کند و هیچگاه در صدد "تازیدن" انقلابی بوده نیست. ولی ناآزمایی که جامعه و جهان به طبقات انقیاب تأثیر تعیین کننده اند. ابتدایی ترین ملاحظات روز این است که به تمام مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اپیدمیولوژیک از موضع طبقاتی بنگریم. در فیر این صورت ما بر خلاف واقعیت کام بر خواهیم داشت. برخورد طبقاتی از مشخصی جدایی ناپذیر تئوری و مثنولوژی و بخش اساسی تحلیل مارکسیستی - لنینیستی تمام پدیده های اجتماعی است. مثنولوژی مارکسیستی برای شیوه شناخت اهمیت دارد. زیرا این شیوه شناخت با سرشت واقعی اشیا و پدیده ها توافق دارد. بنابراین مثنولوژی مارکسیستی به ما یاری می دهد تا هر یک از مراحل پیشروی را به درستی و در انطباق با اوضاع و احوال کشور و تمامیت نیروها در جامعه تعیین و معارهای تاکتیکی روز را انتخاب کنیم. افشارش وفاق وقتی صحیح می بود که ماسم مانند برخی از سازمانهای چپ فرود در خود محور اجنبی - بیرونی از مارکسیسم - لنینیسم را به معنی "عمل کردن" بر فرورد طبقاتی به معنی چیز می دانستیم. برخورد طبقاتی به معنی یکبار بردن جا و بی جای کشتاب به قاهر انقلابی نیست. مهم بررسی پدیده ها از موضع طبقاتی به معنی بی بردن به مامیت و سرکشت آنها است. برخورد طبقاتی نمی تواند چیز فرعی و درجه دومی باشد. آنرا می توان در برخورد کلی به مسائل حل کرد. برخورد طبقاتی وارد کردن یک عنصر مفروض در متن تحلیل های سیاسی نیست. بلکه یا زتاب دقیق واقعیت است. بنابراین هیچ وجه به معنی بی توجهی به تمام عوامل و یا نیروهای دیگر و بی انضامی به آنها نمی تواند باشد.

انگیزه بزرگی از مردم همین ما از قلم و جوهر و نیرو و اشتیاق حاکم بر کشور رنج می برند. به همین سبب اختلاف ها و تضادهای شد رژیم جمهوری اسلامی سوره پیشگامی قشرهای گوناگون قرار می گیرد. باید در راه گذشتن همه جانبه این نقطه اشتک تلاقی کرد. ما این تلاش را علمرف کارکنانی های دشمنان و حتی دوستان نا آگاه و بیگانه می کنیم. در همین حال باید مبارزه طبقاتی را نیز که در آخرین تحلیل سلال همه مشکلات است. با قدرت تمام مطرح سازیم. تاریخ سرمایه داری تنها تاریخ مبارزه طبقاتی نیست. این تاریخ. در همین حال از دیدگاه نیروهای ارتجاعی. تاریخ نلی مبارزه طبقاتی به منزله ادامه موجودیت سرمایه داری نیز هست. بی جنبه نیست که حکام ج.ا. وجود طبقات و مبارزه طبقاتی را نلی می کنند و می گویند تا جنبش کمونیستی و کارگری را در کشور ما سرکوب کنند. بنابراین در جریان مبارزه در راه ایجاد جنبه

کسریه آنگان مرکزی حزب توده ایران

رفیق حسن قرنجی زیر شکنجه شهید شد

بقیه از صفحه ۱

واحد. ما می می کنیم این حقیقت را به همه شرکت کنندگان در نبره شد رژیم پاد آور لایم که نخستین قربانی بهره کشی - کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا هستند. از این روی آن مبارزهای در جنبه واحد سریشی تر است که کارگران و دهقانان تبعیدت به سزله نیروی مملکتی در سرکولل آن قرار بگیرند. و اما لشکر طبقه کارگر و متعهدین آن وقیقه حزب طبقه کارگر است. وقیقه کمونیست ما است که رویدادهای جامعه را. از غارت بی بند و بار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان. گسترش فقر و بیکاری و تشدید بهره کشی گرفته تا جنایات رژیم "ولایت فقیه" آنچهان که عنت افشاء کنند و در معرض قضاوت افکار عامه قرار دهند. باید کارگران رایج اقدامات چینی خود داد و در تجمیع و تشکیل آنها کوتاهی. تلاش حزب ما باید مشوره آن باشد که بتواند قشرهای نیمه پرولتاریا را تا مقام پرولتاریای انقلابی ارتقاء دهد. فقط در این صورت پیروزی قطعی از آن طبقه کارگر و متحدانش خواهد بود و منافع زحمتکشان در حکومت ملی و دموکراتیک تسلیم بورژوازی و خرده بورژوازی نخواهد شد. ما باید پشتیبان این حقیقت را که بورژوازی فقط یار نیمه راه است به اذهان زحمتکشان رسوخ دهیم و از همه بیشتر. ای از ترویج مارکسیسم - لنینیسم فاعل سوسیال و یگونی تا درک سوسیالیستی را به درون کارگران ببریم. ناگفته نماند است که ما توده ای ما با اصرار روی ضرورت برخورد طبقاتی در فعالیت خودمان. آنرا به منزله شرط اجباری برای تمام شرکت کنندگان در جنبش شد رژیم مطرح نمی کنیم. این مهم ویژه ای است که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ادا می کنند. ما دچار "جنگ اپیدمیولوژیک" هستیم. این "جنگ" از راست و "چپ" ادامه دارد. در این مبارزه "سزمن پترف" وجود ندارد. ما به مبارزه اپیدمیولوژیک نیز برخورد طبقاتی داریم و در یاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم گرفته و می گردیم. ما علیه توده ای مثنوژی و تئوری مثنوژی زجر هر پوشی سرخخانه مبارزه کرده ایم و خواهیم کرد. ما مامیت گروههای به اصطلاح "چپ مستقل" و انانی را که خود را "مارکسیست انقلابی" می خوانند و قصد یا ارتجاعی ترین عناصر شد ملی. همین پریشی حزب توده ایران را زیر سؤال می برند. افشاء کرده و خواهیم کرد. ما به اصل انترناسیونالیسم پرولتاری که خود مظهر عالی همین پریشی نیز هست. وفادار خواهیم ماند. تاریخ حزب ما اینست که از مبارزه کمونیستی طبقه روزبروزیسم - اپورتونیزم "سوسیالیسم ملی" و رفرمیسم است. ما امروز هم به این مبارزه ادامه می دهیم. بدون مبارزه. شرقی و پیشرفت وجود ندارد. رشد و پیشرفت اکثی طبقاتی بهترین نقل را در تعلق اما جهای انقلابی ایفا می کند. باید همه امکانات خود را در این زمینه تجمیع کنیم.

چینی و روانی بسر برد. به همین دلیل رژیم از تسویلی جنازه وی به خانواده ای خودداری کرده و فقط شماره و ردیف محل دفن را به اطلاع آنها رساند. رفیق حسن قرنجی در سال ۱۳۷۴ متولد شد و از آغاز جوانی. در دوران مبارزه شعلها علیه فاشیسم و استبداد رفاخانی فعالیت انقلابی خود را آغاز کرد. وی که با مساعی ایران و بیوزمه مساعی خلق کرد انشایی کامل داشت و پیشی را که در حق مردم سزوم کرده استان اعمال می شد با گوشت و پوست خود احساس می کرد. پس از سقوط رفا خان. بر اساس ضرورت تاریخی مبارزه با فاشیسم. با گروهی از مبارزانی از جمله قاضی محمد. یک هسته مبارزاتی تشکیل دادند و چندی بعد همین گروه حزب دمکرات کردستان ایران را بنیان نهاد. رفیق قرنجی که از موسسین و رهبران حزب دمکرات کردستان بود. پس از سقوط حکومت ملی. تاگزیر به مهاجرت به کردستان عراق شد. در آنجا با کمک برخی از همزمینانش دیگریار تشدید سازمان حزب دمکرات کردستان و انتشار نشریه "ریگا" پرداخت. وی در دوران فعالیت خود در عراق دانش تکت پیگرد رژیم ارتجاعی حاکم بر این کشور بود و برای ادامه مامیت به هفت ترین کارها از قبول کار در چاپخانه ملی. کشت توشن. مسلکی. واکس زدن. کاربرد دستوران و حکامی تن در داد و در حالی که چطور دانش خطر دستگیری او را تهیه می کرد یک لحظه از ادامه کار انقلابی خود باز نماند. رفیق قرنجی یک بار در زمان حکومت نوریسعد و مالک افضلی در جریان همکاری با نیروهای انقلابی عراق دستگیر شد و مدتی را در شرایط سخت زندان سپری کرد. پس از آزادی از زندان و انقلاب ۱۳۵۷ عراق و انشایی بیشتر با جهان بیبی دوران سال مارکسیسم - لنینیسم سر انیقام حزب توده ایران پیوست. رفیق قرنجی از او اثر مهم ۷۰ به عنوان مثنو حقیقت تحریریه وادیر پیک ایران برگزیده شد و اداره برنامه کردی را دپورا به عهده داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز مسئولیت انتشار "نامه مردم" به زبان کردی با وی بود. درصورت رفیق قرنجی نزدیک به ۲۵ سال از زندگی خود را در شرایط سخت مهاجرت و پیگرد رژیم مملکتی گذرانید و تا آنجا که در توان داشت با درک فرمانهای مردمی حزب توده ایران و وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتاری بطور مستمر و پیگیر به مبارزه خود ادامه داد. این شخصیت برجسته انقلابی. همچون یکی از بزرگترین ادیبان و فیلسفگان خلق کرد بود. داستانهای طنز آمیز و مقالات ادبی. سیاسی و تحلیلی وی زینت بخش اکثر روزنامه های انقلابی کردی زبان در ایران و عراق بود. همین رفیق قرنجی با چند زبان زنده دنیا انشایی کامل داشت. مقاله ادبیات دیگر شاعرا را با در تر شدن خلاقیات ادبی و هنری او بسیار سوار بود. بقیه از صفحه ۱



له چاپکراوه کانی کوزی زانیاری کورد

گوزانی پینه کان به یکترا، جیگوز کینی پینه کان و سوان و
تیکشکانی وشه کان به هومی نه و نالوگوزانی به
سه پینه کاندانی

حسینی فولجی

له بهرتی شهسعی کوفاری کوزی زانیاری کورد دهرهتیراوه

چاپخانهی کوزی زانیاری کورد

بمفدا - ۱۹۷۸

په پښتانه کورني ډول
لغت خپرونه

پښتانه
۱۳۹۰ / ۱۱ / ۲۵

بیرودیزیک له ماموستا ملا حسینی قزلبی

هیشا غوښتی سرمتایم دسپینه کړدېو، له شاری ماموه به مالموه گوانستاموه یو شاری کرماشان. باوکم سوچه غوړی په کن له دایره دولته کتان یوو. هر که گمپشینه لوی قسه له سر موه کرا که دین له گمونه پانویه کاندیا خانوویک به کړی بگرین، پاش چن روژ له گمونه ناوبراودا خانوویکمان دست کتوت، په لام خاومن ماله که پانویس لویو، کوردینکی ناوچه سوکریان یوو. دوزن دبی نابوو و پرموازی شاری کرماشان بیوو، که هاشه لامان و به خیرهاتنیان کړدین، بومان تاشکرا یو ناوی پیاوی خاومن مال به یوز ناغای سعید سعیدی حافدی قزلبی. شخسته شخسته تاشا بیرون مینش بیومه دوستی مندالکاتی، هاتوچوی په کترمان دتکرد و تیکه لایمان ژور یوو. ناغای حافدی لوی سردمددا چوار کوری هابوو، دووآنیان له دورویبری شمعی شدا بیرون هر نمانیش بیونه دوست و برادرم.

ناغای حافدی له پنهالی بهاویانگی قزلبی یوو، پیاویکی زانا و خوش مشرب یوو، کوردی و فارسی و عربی په کجار باش دزانی، شاعیر و نووسر و ورگتیب یوو، ناگاداری هونری موسیقاش یوو جاروبار به دنگه خوشه کوی گورانی دهمری و نیمه مندالی بین کیمف خوش دتکرد، په لام خیزانی لښ فلسی دبیوو. کورداییشی دتکرد و له میژوو و بسمهراتی گتلی کوردا شامزا یوو. له داتکای شاری کرماشاندا نامر یوو، سهارمت به مندالان ژور دوو خوش و گمش یوو. کاتیک له مالموه دبیوو همرو همول و تیکوشانی لوه یوو مندالکاتان روژپان به خوشی و شادی تپم یو. به کورسعی سرمتایی سپتمای یو سازده کړدین، خواردصحنی باشی یو دتکرتین و روژ لویو له گتله خوی دپاریکمان یو نهغیبتیموه. له گتله خوی دبیورین یو باخچی گمشی و لوی پمستخی یو دتکرتین.

که زانی باوکم هزگوری شاعر و نهغیه، شعریک پنیوت، من بریک شاعر و نووسیم همیه، هیندیکي له چاپدراوه گزله پیکیش هروا له لای خوم ماوتیموه و دستی کرد به خوزندیموهی شاعرکاتی و چن ژماره روژنامی گزیشی نیشانی باوکم دا، پاش چن سال زانیم نو روژنامانه، روژنامی "کرهستان" بیون و ماموستا ملا سعیدی حافدی هاوکاری له گتله دتکرد، چار و بار له چاپدستی عربی لوبناییموه و تاری ورده گتیرا سر زانی فارسی و لوی روژنامدا له چاپی دندا، په کتیک لوی وتارانه وتاریک یوو په ناوی، کورت میژوویه کوی روژنامه گری کوردی، که لشمپه کوی لوبنای نووسیموهی و له پکن له ژماره کاتی روژنامی کرهستاندا پلاوی کړد بیوووه.

له قسه و پسه شوانه کاتی نو و باوکمدا مینش یو کم نمیموه وک، گزیکریک په شداریم دتکرد، ژورچار لغتیشی باوکیموه دادینشتم و یو نموه له قسه گانایان شتیک تیکم ناچار یوم

گویگرزگی به ندرت هم و هیچ دستکم نپوشیده. باوگم پنده‌کوتم دهم همیشه له خزمنی پیاوانی زانا و له خوشدا دانیشی و باش گوی بگری بو نوره فیزی له و زانست بی. جا هر بز هم مبهست دمیرومه خزمنی مالا سهید.

شویگ مالا سهید باسی رابردوی خوی بز باوگم ده‌گپراوه که ننداسی کومله‌ی زیانوهی کورد(ژ. ک-ا) بووه و پاشان له حیزبی دیموکراتی کوردستاندا هلس و کورتی همبووه هرودعا له سردسی کوماردا دعوی گپراوه، له دواى نوره که هیزه چه‌کداره‌کانی نیران سابلایان داگیر کردیه نوپش کورتوت بهر پلامار و ناچار بووه بهرمو کرماشان رایکا. هر له میانه‌ی هم له و باستاندا بوو شویگ باسی خزمنی بز باوگم ده‌کرد که له دولتی نیران قاچاغ بووه و چووته نوردیوا کوردستانی گرمین) دبیوت هم خزمنی زور زانا و نینگه‌شوووه، له باسی رابردوی خزمنی که‌پدا چارنگ وئی هم ناموزای من که ناری مالا حسنی قزلبه له نووسران و نندامانی نیکوشه‌ری کومله‌ی زیانوهی کورد و حیزبی دیموکراتی کوردستانی سردسی کوماری کوردستان له سابلاندا بیوه، پاش هررس هینانی کومار بهرمو کوردستانی گرمین رویشته، ماویه‌ک له‌وی یوو پاشان گرتیان و دایانوه دستی کاربه‌دستانی نیران له کرماشان. دبیوت "من که له دادگادا بیوم به کاره‌ساکم زانی، سهرم‌ای نوره که ناموزای په‌کتر بیوین، خومان له په‌ک نمانس کرد، به ههول و نیکوشانینگی زور رزگار بوو و دیسان گپراوه بز کوردستانی گرمین".

من نوره نندالتر بیوم هم لسانه نینگه، پاش چند سال ناغای حافدی بوو به هاوسه‌ری ناظرینگی ناشنای نینه و زور هاتوچزی سته‌ی ده‌کرد و له مالی نینه دادبه‌زی، هم سه‌روینه‌ده‌دا که من به تهمین گورده‌ی بیوم، کوشه‌ی مرالی زورتر ناسینی ناغای حافدی و نیکوشان‌که‌ی سردسی کوماری کوردستانی. به پارمندی ناغای حافدی خوی و باوگم هم زانیاریانم ساخ کردیه. ناغا حافدی که باسی خوی و مالا حسنی ناموزای بز ده‌کردین وئی مالا حسن نینسا له بولفاربا گیرساره‌توه و له بهشی کوردی رادپری په‌یکی نیرانی سهر به حیزبی تووده‌دا قسه بیژه. هم چه‌شته من بیومه ناشنا و پاشان گویگرزی رادپری په‌یکی نیران و زور کم هه‌له‌کورت تمانت روژینگیش گویم له دنگی حسنی قزلبی و علی گه‌لاویژ و پاشان که‌ریسی حیسانی نهم و هر هم گویگرتنه‌ش بووه هوی نوره فیزی کوردی بی.

نیر جگه له رادپری په‌یکی نیران، هه‌والینگی تازهم له مالا حسن نهبوو. هه‌تا سالی ۱۹۷۷ بو خویندن چوووه نوروویا و له پاریس گیرساره‌توه. له‌وی له‌گه‌ل دوکتور هه‌مدول‌حسانی قاسملو و بهشی کوردی ناومندی خویندن و لینگولینه‌وه‌ی زمان و شارساتیه‌یه زهن‌وووه‌کانی سهر به زانستگای سوربون ناشنا بیوم. روژینگ دوکتور قاسملو ده‌پاریه‌گی به‌ترخی داس، پیرتم هم کتیه‌ی باش به‌خوینه‌وه، باسی لای نیوه‌شی تین‌دایه‌(مه‌به‌ستی چیرۆکی هیلکه‌ی هادی خان، بوو) کتیه‌که پتکه‌نیشی گه‌دا بوو که ماومستا

حسینی قزلباشی نووسیپوری و بنگه‌ی پیشه‌وا له میران له چاپی دابوو. نه چارنیک بلکورو چهن چار پنگه‌نیشی گه‌دام خوینده‌وو، پاشان به پیشنیاری من چهن چیرۆکی ئەم کتێبه‌مان هه‌ڵبژارد وه‌کورو ده‌لی ده‌رسی (مشن) ده‌درا به‌و قوتابیانه‌ وا ده‌یان‌ه‌وست له‌ ناوه‌ندی ناوبراودا، ئێری زمانی کوردی بن. له‌ کاتی ده‌سه‌کاتدا که‌ وشه‌کان لینگه‌ده‌داوه‌ و پاسی بارودوخێ کوردستان و کۆمه‌ڵگای کورده‌واری ده‌کرا، قوتابیانه‌کان پیاوخۆش بوو سه‌رچه‌سی ئەم چیرۆکانه‌ بکڕین به‌ فرەسی، من و به‌ریرسی به‌شی کوردی نه‌و کاته‌، مادام جیرسی یلو ئەم کاره‌مان ده‌سه‌پتکرد. پاش ناویه‌ک مادام یلو په‌کن ئەم چیرۆکانه‌لا چای دیواخان، که‌ به‌ هه‌له‌ چای ده‌وانخانه‌ی نووسیپوری به‌ ناوی خۆیه‌وه‌ له‌ په‌کن له‌ ژباړه‌کانی لوسه‌ند دیپلوماتیکدا له‌ چاپدا، کاتی سکالای ئەوه‌م لیکرد خۆ منیش هاویش به‌وه‌م یز ناوی منته‌ نه‌هه‌نناوه‌ و بۆچی ده‌واخانته‌ به‌ هه‌له‌ ده‌وانخانه‌ نووسیپوره‌، رووی گرژ کرد و پاشماوه‌ی کاره‌ هاو‌هه‌شه‌کی له‌ لای خۆی شارده‌وه‌ و هه‌تا ئێستا نازانم چی لێ به‌سه‌ر هاتوه‌.

منیش په‌کن له‌ چیرۆکه‌کانی پنگه‌نیشی گه‌دام به‌ ناوی سه‌رفه‌شه‌ وه‌زگه‌ترا سه‌ر زمانی فارسی و کاتی خۆی ناردم یز روژنامه‌ی که‌مه‌یان که‌ له‌ ئەندهن ده‌رده‌چوو. ئێسه‌ ناویه‌وناو نووسینه‌کانی مامۆستا قزلباش به‌ هۆی کاکه‌ حسه‌ی سه‌لا که‌ریه‌وه‌ که‌ له‌ به‌غه‌داوه‌ بۆی ده‌شاردم، به‌ ده‌ستم ده‌گه‌هه‌شت.

شۆرشێ ئێران سه‌رکه‌وت و زۆربه‌ی زۆری ئێکۆشه‌ره‌ سیاسی و قاجاغه‌کانی رژێمی پاشایه‌تی جارانێ ئێران، که‌مه‌وه‌ یز ولاته‌، ئەندامانی هه‌یزیی تووده‌ش هاتنه‌وه‌، ده‌پاره‌ مامۆستا قزلباش، منیش که‌ کاری خویندنه‌ له‌ پاریس ئەراو به‌وه‌ گه‌رمه‌وه‌ یز کوردستان و به‌ ناوی مه‌دییری رادیو ته‌له‌فزیونی سه‌یلاخ ده‌ستم به‌ کار کرد. ئەم هه‌له‌دا له‌ که‌ل کوته‌ دوسته‌ و ناشناکه‌ماندا گه‌هه‌شتیه‌وه‌ به‌په‌ک. که‌ به‌ریتی به‌وه‌ن له‌ دوکتۆر قاسملوو، هه‌لی گه‌لاوێز، که‌ریسی حیسانی و مامۆستا حسه‌نی قزلباش، به‌لام بارودوخێ سیاسی نه‌وسای ئێران به‌ گه‌شتی و کوردستان به‌ نایه‌تی و حزباپه‌شی کردنی ئەم که‌سه‌نه‌ به‌وه‌ هۆی نه‌وه‌ گه‌شت و هه‌وای دوستی و ناشنايه‌تی جاران که‌ له‌ سه‌ر کۆلتوو و زانسته‌ و فه‌رییاپه‌تی له‌ هه‌نده‌ران، وه‌ستا به‌وه‌، نه‌هه‌ننه‌. روژنیک به‌ خزنه‌ت مامۆستا قزلباشی گه‌هه‌شم، من له‌ت ته‌مه‌دیوو له‌ رێگای نووسینه‌کانیه‌وه‌ ناشنای به‌وه‌م، به‌لام نه‌و به‌ هۆی مامۆستا هه‌مه‌نه‌وه‌ منی له‌ دووره‌وه‌ ده‌ناسی، ناشنای به‌مه‌اله‌شمان به‌وه‌، گه‌دی نه‌وه‌ی لیکردم یز هه‌ر هه‌یز و تالم و رێکخه‌راوه‌یک بۆی هه‌په‌ بپه‌ته‌ رادیو ته‌له‌فزیون، به‌لام چارنیکه‌ش له‌ هه‌یزیی تووده‌ ناگه‌رنه‌وه‌، من ده‌سه‌وی ئەم رچه‌یه‌ پشکێتم. وتم فه‌رموون، هه‌رچه‌ن ده‌مزانێ یز چ مه‌به‌سته‌یک ده‌یه‌وی په‌ته‌ به‌لام لێم په‌رسی ده‌تانه‌وی پاسی چ په‌کن؟ وتی سه‌له‌روه‌، پاسی هه‌یزیی تووده‌ ده‌که‌م، پاسی روانگی هه‌یز له‌ سه‌ر کێشه‌ی کورد ده‌که‌م، پاسی نه‌و بوخه‌خانه‌ ناوه‌وابانه‌ ده‌که‌م وا یز هه‌یزیی تووده‌مان سازکردوه‌، وتم مامۆستا من خۆم چه‌ناه‌یت وه‌کورو په‌کن له‌ ته‌ده‌پ و نووسه‌ره‌ گه‌وره‌کانی کورد ده‌ناسم، چه‌ماه‌ری خه‌لگه‌ش ته‌گه‌ر نووسینه‌کاتیه‌بان نه‌خویندیه‌شه‌وه‌ چه‌ناه‌یت به‌ ئەندامی به‌مه‌اله‌ی زانا و به‌ه‌زی قزلباشی ده‌ناسن، ئه‌ستا ته‌گه‌ر وه‌کورو تووده‌یه‌یک بپه‌ته‌ رادیو ته‌له‌فزیون و به‌ه‌گه‌ری له‌ بۆچه‌ونه‌کانی هه‌یزیی

تووده بکەى و لە روانگە حیزبى توودهوه سهبارەت بە کوردستان قسه بکەى که هه‌موو ده‌یزانن، لە ریز و حورمەتت کەم دەبێتەوه جا چونکە ئێوه پیاویکی زۆر بە‌ریزن من پێم خۆش نیه بێنە رادیو و تەلەفزیون. چونکە پاشان من تاوانبار دەبم. مامۆستا لەم قسه و وه‌لامەى من زۆر دڵگران بوو. زانییم ئیتر هەز لە چاره‌م ناکا. پاشان کاره‌ ساته‌کەم بۆ مامۆستا هینم گێراوه، ئەویش لە سه‌ر من نەختیک قسه‌ى له‌گه‌لدا کردبوو، جاریکى تر مامۆستام دیه‌وه به‌لام هه‌یج قسه و باسینکمان پێکوه نەکرد، دیار بوو دلى لێم ئینشا بوو.

جاریکى تر ئەم کاره‌ساته‌ له‌ نیوان من و عەلى گه‌لاویژدا دووپات بووه‌وه، به‌ ئەویش هەر ئەو وه‌لامەم داوه. ئەویش هەر هه‌لوێست و بۆچوونى خۆى و حیزبه‌کەى پێ راست بوو. که سابلاغ داگیر کراوه هەر کەس به‌ لایه‌کدا رۆیشت، من بۆ پاريس گه‌رامه‌وه، مامۆستا و زوربه‌ى ئەندامانى کۆمیتەى ناوه‌ندى حیزبى تووده‌شيان گرت، پاش ماوه‌یه‌ک هه‌والى کوشتنى مامۆستا قزلبجى و دوکتۆر عەلى گه‌لاویژ له‌ زیندان، گه‌یشتە پاريس، ئەوه‌ى وه‌ک تووده‌یه‌ى ده‌یناسین وتى به‌لى ده‌سخۆشانه‌ى خۆیانیان له‌ رۆیى دژ به‌ ئیمپریالیستی مه‌لایان وه‌گرت. ئەوانه‌ش وه‌ک رۆله و زانا و بلیه‌ته‌ى گه‌لى هه‌زار و بنده‌ستى کوردی ده‌ناسین ناخ و داخیان هه‌لکێشا و وتیان شه‌هیدى زولمن، کفن و شۆردن‌یان ناوی.

دوکتۆر عه‌بدوللا مه‌ردوخ

سلیمانی ۲۰۰۷/۱۱/۸